

بیانات در دیدار سران سه قوه و جمعی از مسئولان نظام درباره زلزله کرمانشاه

۱۳۹۶/۸/۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

لازم میدانم غم عمیق خودم و مسئولین کشور را از حادثه‌ی بسیار تلخ زلزله در کرمانشاه ابراز کنم. مردم دلاور و مرزبانان دلیر استان کرمانشاه، در این حادثه، مصیبت زده و داغدار شدند؛ ما در غم آنها، با آنها شریک هستیم. البته همه‌ی این مصائبی که در دنیا بر انسانها وارد میشود، در نزد پروردگار پاداشهایی دارد؛ خداوند متعال جبران میکند این مصیبت‌ها را؛ ولی خب، داغ عزیزان، خیلی سخت است؛ دشواری فقدان عزیزانی که در این حادثه‌ی زلزله، در شهرهای استان کرمانشاه یا روستاهای آن به لقاءالله پیوستند و از دنیا رفتند، تلخ است؛ هم برای کسان خودشان خیلی تلخ است، برای ما هم تلخ است. امیدواریم خداوند متعال به این خانواده‌ها صبر بدهد، بر دل‌های آنها سکینه و آرامش را از سوی خودش نازل کند، و چشم‌های آنها را با لطف و رحمت خودش روشن کند و به آنها عوض خیر بدهد؛ هم در دنیا، هم در آخرت.

البته این حوادث، تأثیر دیگری که دارد این است که خون را در رگ‌های مجموعه‌ی جامعه‌ی اسلامی کشور به حرکت درمی‌آورد؛ همه را وادار میکند به حضور در صحنه‌های همیاری و محبت و برادری که در این کشور وجود دارد. ما امیدواریم که ان‌شاءالله این حادثه بتواند، هم برای مردم عزیز کرمانشاه، مردم دلاور کرمانشاه، مردم سرزمین پهلوان پرور کرمانشاه، ان‌شاءالله شامل و حامل برکاتی باشد، و هم برای ملت ایران و بخصوص مسئولین کشور - [که برای آنها] یک آزمایش الهی است - برای آنها هم ان‌شاءالله میدان ادای وظیفه و مسئولیت باشد. در این دو روز، مسئولین کشور در منطقه حاضر شدند و همدردی کردند. امروز آقای رئیس‌جمهور و بعضی از وزرای محترم در کرمانشاه بودند، با مردم همدردی کردند؛ امیدواریم ان‌شاءالله این همدردی‌ها در عرصه‌ی عمل و کمک، همچنان با قوت ادامه پیدا کند و مشکلات و درد و رنجی که برای آنها در این هوای رو به سردی - که فصل هم فصل دشواری است - پیش آمده، ان‌شاءالله کم کند.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين سيما بقیة الله فى الارضين.

برادران عزیز، خواهران عزیز، مردم عزیز منطقه‌ی سرپل ذهاب و کسانی که از مناطق اطراف اینجا تشریف آورده‌اید! به همه‌ی شما سلام عرض میکنم. خیلی مایل بودیم که در وقتی به شهر شما بیاییم که دل‌های شما شاد باشد، زندگی شما خرم باشد؛ دوست نداشتیم در شرایطی به این شهر عزیز و میان شما مردم مهربان و باوفا بیاییم که دچار غم و حادثه و بلا و مصیبت شده‌اید، برای ما خیلی تلخ است. ما با یکایک دل‌های داغدار -چه در این شهر، چه در شهرهای دیگر، چه در روستاهایی که در سرتاسر استان آسیب‌دیده‌اند- و با غم شما همدردیم؛ برای ما دل‌های پُر از غم و فکرهای گرفتار به وجود می‌آید.

برادران عزیز، خواهران عزیز، مردم صبور و مهربان! این اولین باری نیست که شهر شما و منطقه‌ی شما دچار گرفتاری شده، در دوران جنگ تحمیلی و دفاع مقدس هم این شهر شما و شهرهای پیرامون شما دچار مشکلاتی بودند؛ من آن وقت هم آمدم، شهر شما را دیدم، شهرهای دیگر استان را در این منطقه از نزدیک دیدم؛ رنج آنها را، مصائب آنها را [دیدم]، اما مردم استان کرمانشاه، در قضیه‌ی مشکلات جنگ تحمیلی محکم ایستادند؛ شماها مردانگی خودتان را، استقامت خودتان را، پهلوانی خودتان را در دوران جنگ تحمیلی نشان دادید، امروز هم نشان بدهید.

در مقابل بلاها و حوادث -چه حوادث طبیعی و چه حوادث تحمیلی- انسانهای بزرگ و دل‌آور و پهلوان می‌ایستند؛ حادثه را مغلوب خودشان میکنند. عزیزان من، جوانان، مردان و زنان مؤمن و مقاوم این استان و این شهر و این روستاها! زلزله بلا و مصیبت است؛ مشکلات است؛ انسان را داغدار میکند، مصیبت‌زده میکند، ویرانی به بار می‌آورد؛ اما همین زلزله، با استقامت مردم، با ایستادگی مردم، با تلاششان برای تجدید حیات و تجدید آبادی و عمران، میتواند تبدیل بشود به یک نعمت. ما میتوانیم با ایستادگی در برابر مشکلات و بهره‌گیری از ظرفیتهای عظیم این ملت، در مقابل بلاهای طبیعی و بلاهای تحمیلی ایستادگی کنیم.

درست است؛ ما داغدار شدیم؛ عزیزانی رفتند -آن طوری که تاکنون آمارها بیان کرده‌اند، نزدیک به پانصد نفر از خانواده‌های این شهرها و این روستاها به لقاءالله پیوستند- این درد است، این مصیبت است، این سخت است؛ خانه‌هایی ویران شد؛ من البته به خانواده‌ها تسلیت عرض میکنم، به داغداران تسلیت عرض میکنم؛ همدردی خودمان را و غم خودمان را در کنار غم آن خانواده‌ها عرض میکنم؛ اما عزیزان من ملاحظه کنید، ببینید این حادثه‌ای که برای شما به وجود آمد، چطور ملت ایران را به حرکت وادار کرد. ملت ایران در همه‌ی مناطق کشور، احساس میکنند دلشان کرمانشاه است؛ احساس میکنند به کرمانشاه مدیونند و باید

وظیفه‌شان را ادا کنند و تا آن جایی که ما اطلاع داریم، بسیاری از مردم به قدر وسع و توان خودشان به وظیفه‌ی خودشان عمل کرده‌اند. مسئولین هم -بخصوص در بعضی از بخشها- در این حادثه خوش درخشیدند؛ کار کردند، تلاش کردند. البته بنده قانع نیستم؛ بنده معتقدم مسئولین بخشهای مختلف بایستی مجاهدت خودشان را و تلاش خودشان را مضاعف کنند؛ همچنانی که در ساعات اول، ارتش در شهرها، سپاه در روستاها، به کمک در زیر آوار ماندگان شتافتند و حضور آنها مؤثر بود و اگر نمی‌آمدند غصه‌ی ما و داغ ما خیلی بیش از این میشد و تلفات ما خیلی بیش از این میشد؛ در ادامه‌ی راه، در ادامه‌ی کمکها، در ادامه‌ی یاری

رساندن به مناطق زلزله‌زده هم بایستی مجاهدتها ان‌شاءالله مضاعف بشود؛ مسئولین تلاش کنند. خود مردم و خود شما عزیزان، چشم امید را بیشتر متوجه کنید به نیروی خودتان و به تلاش خودتان و به قدرت خودتان و به غیرتی که خدای متعال در این استان به مردم مؤمن و پهلوان پرور این استان عطا کرده است؛ به اینها تکیه کنید. خدای متعال هم کمک خواهد کرد؛ ان‌شاءالله روزگار بهتری برای شما پیش خواهد آمد و امیدواریم که ملت ایران و بخصوص مردم استان کرمانشاه و منطقه‌ی غرب کشور - آسیب‌دیدگان از این زلزله- مشمول لطف الهی قرار بگیرند، مشمول ترحم الهی قرار بگیرند و ان‌شاءالله مردم عزیز ما از این امتحان الهی، سربلند بیرون بیایند و باز خدای متعال فرصت بدهد تا ما بتوانیم روز دیگری، وقت دیگری، هنگام دیگری، به این شهر و

شهرهای اطراف بیابیم، که بر اثر همت شماها، شهر آبادی خود را مجدداً باز یافته و [وضعی] خیلی بهتر از دفعه‌ی قبل و بهتر از وضعیت قبل به خود گرفته است. امیدواریم ان شاء الله زندگی - با طراوت، با شادی - ادامه پیدا کند، خانواده‌های مبتلای به این حادثه ان شاء الله مشمول لطف الهی باشند و خدای متعال مشکلات آنها را جبران کند و مسئولین هم به وظایفشان به طور روز افزون ان شاء الله عمل کنند... .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمین و الصّلاه و السّلام علی سیدنا محمد و آله الطّاهرین و علی آله الطّیّبین الطّاهرین المعصومین.  
خدا را شکرگزاریم که توفیق داد به مسئولین محترم که در این حادثه‌ی تلخ و دردناک، به یاری هم‌میهنانشان، به یاری مردم عزیز این استان بشتابند. زلزله از آیات الهی است؛ این زلزله و زلزله‌های دنیایی که ماها در مقابل آن احساس عجز میکنیم، احساس ناتوانی میکنیم، در مقابل زلزله‌ی روز قیامت -زَلْزَلَةُ السَّاعَةِ- (۱) هیچ است. یَوْمَ تَرَوُنَّهَا تَدْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ؛ (۲) زلزله‌ی روز قیامت، زلزله‌ی عالم بعث، یک حادثه‌ی فوق‌العاده و عجیب و عظیمی است که قرآن از آن یاد میکند. این زلزله باید ما را به یاد آن زلزله بیندازد. این زلزله قابل مقایسه‌ی با آن زلزله نیست از لحاظ اهمّیت و عظمت و سنگینی بار مصیبت، درعین حال ما در مقابل این زلزله احساس عجز میکنیم، چه برسد به آن زلزله! اگر بخواهیم از هول روز قیامت و حالت دهشتی که همه‌ی انسانها در قیامت به خاطر حوادث عجیب آن روز دارند نجات پیدا بکنیم، یک راهش این است که اینجا به بندگان خدا رحم کنیم؛ هرکسی که به بندگان خدا رحم کند، خدا به او رحم خواهد کرد. معنای رحم کردن، به چشم حقارت نگریستن نیست که حالا مثلاً بگوییم شأن این مردم بالاتر است از این معانی؛ نه، شأن مردم خیلی بالا است، عزّت مردم کرمانشاه برای همه‌ی کسانی که این استان را و این مردم را می‌شناسند آشکار است، [منتها] ما بایستی به وظایفمان عمل کنیم.

من امروز از شهر سرپل ذهاب و تعدادی از روستاهای آن بازدید کردم. شهر خسارت سنگینی دیده ولیکن خسارت روستاها در مواردی قابل مقایسه‌ی با خسارت شهر هم نیست؛ یعنی خسارت بسیار سنگین است؛ ما روستا یا روستاهایی را دیدیم که به نظر میرسد با خاک یکسان شده‌اند. شاید در همه‌ی این روستا یکی دو عمارت سرپا است که [البته] از داخلش هم آدم خبر ندارد؛ بقیه با خاک یکسان شده. خب، خیلی حادثه‌ی مهمّی است. ما چون خودمان مبتلا نیستیم، ابتلاء را نمیفهمیم؛ این را همه‌ی کسانی که این عرایض بنده را خواهند شنفت، توجّه کنند. شما می‌شنوید که زلزله‌زده احتیاج دارد به فلان وسیله‌ی زندگی یا فلان وسیله‌ی خوراکی و امثال اینها؛ خب مردم همّت میکنند، مسئولین هم همین‌جور، و برایشان تهیّه میکنند؛ اما قضیه‌ی زلزله‌زده این نیست. آن کسی که در خانه‌ی خود، با خانواده‌ی خود، در میان آنها، با آرامش و خیال راحت زندگی میکرده -بالاخره در یک فضائی- حالا همه‌ی آنچه داشته و نداشته جمع شده در یک چادر! ما رفتیم داخل چادرها، بعضی از چادرها را هم دیدیم؛ فرض کنید یک چادر دو در سه، دوونیم در سه ونیم یا سه در چهار، سرما، گرما، کمبود و نبود جا؛ این [که] زندگی نشد. اینها چیزهایی است که ما باید با دقّت، اهمّیت آنها را بفهمیم و به نسبت همان اهمّیت، به وظایف خودمان پی ببریم. سیل هم تقریباً همین‌جور است. بنده در سالهای گذشته -در دوره‌ی جوانی- هم در گروه‌های امداد زلزله حضور طولانی و مفصّل داشتم، هم در امدادهای مربوط به سیل؛ سیل یک جور است، زلزله یک جور است، [اما] در یک جهاتی مثل هم هستند.

در حادثه‌ی زلزله ما دو چیز نیاز داریم: یکی نجات، دوّمی امداد. نجات مال همان چند ساعت اوّل است. بحمدالله در این منطقه حضور ارتش و سپاه و نیروی انتظامی و دستگاه‌های اینها و حضور سازمان‌یافته‌ی اینها موجب شد که بتوانند مسئله‌ی نجات را به شکل تقریباً قابل قبولی انجام بدهند. این زلزله‌ای که من اینجا دیدم، این ویرانی‌ای که به وجود آمده -ما البته قصر شیرین رفتیم، اسلام‌آباد رفتیم، بعضی از روستاهای اینها که خیلی ویران شده رفتیم، خسروی رفتیم، ثلاث باباجانی رفتیم؛ مناطق فراوانی ویران شده- همین مقداری که من دیدم، اگر چنانچه در این زلزله، نجات در اوّل کار و بسرعت انجام نمیگرفت، تلفاتش چند برابر این میشد. خب، یک بخش نجات است که بخش بسیار مهمّی هم هست و در همان ساعات اوّل باید انجام بگیرد. اینکه من بعد از زلزله ی‌بم چند جلسه با دولت آن روز تشکیل دادم و خودم نشستم در جلسه -جلسات چندساعته- برای اینکه ما این ستاد بحران را به وجود بیاوریم، برای این است. کار ستاد بحران همان لحظه‌ی اوّل است. در درجه‌ی اوّل باید سازمان‌دهی وجود داشته باشد، چون زلزله نمیگوید من قرار است بیایم، سیل هم همین‌جور؛ بالای طبیعی از پیش خبر نمیکند؛ دفعتاً می‌آید. ما باید اینجا حاضر باشیم، ستاد بحران باید حاضر باشد؛ یعنی باید مثل مرزبان ما باشد. مرزبانی که ما در کنار مرز می‌گماریم و می‌نشانیم برای مقابله‌ی با نفوذ

دشمن، باید همیشه حاضر باشد؛ چون دشمن که نمیگوید من دارم می‌آیم؛ ناگهان ممکن است حمله کند؛ [مرزبان] باید همیشه حاضر باشد. مقابله‌ی با بلا‌ی طبیعی، آمادگی بیشتری لازم دارد؛ در همه جای کشور، یک آمادگی صددرصد لازم است برای ستاد بحران. و این ممکن است؛ این چیزی نیست که ناممکن باشد؛ نه، میشود نوبت قرار داد برای نگهداری‌های دائمی و همیشه افراد، آماده باشند و سازمان‌دهی، مشخص باشد. این مسئله‌ی نجات است که مالِ اوّل کار است و اینجا بحمدالله اوّل کار تا حدود زیادی کار، خوب انجام گرفت و تا حدّی که ممکن بود، بحمدالله رسیدند به کسانی که دچار آفت شده بودند و زیر آوار مانده بودند. مسئله‌ی دوّم، مسئله‌ی امداد است. مسئله‌ی امداد، اگرچه که آن هم سرعت لازم دارد، اما یک کار فوری و تمام‌شدنی نیست. امداد بخش‌های مختلفی دارد که هر بخشی در یک برهه‌ای از زمان اهمّیت خودش را دارد و بایستی در آن برهه‌ی از زمان، آن بخش انجام بگیرد. اوّل، معلوم است که نیازهای فوری غذایی و خوراکی است؛ چون یک جایی که حادثه‌ی طبیعی پیش می‌آید، آنجا اوّلین چیزی که مردم احتیاج دارند، آب و نان است که بایستی به آنها برسد؛ این مالِ آن اوّل کار است. بعد، مسئله‌ی امکانات زندگی و لباس و وسایل زندگی و مانند اینها است. لکن از همه‌ی اینها مهم‌تر، مسئله‌ی مسکن است. الان شما ببینید این نخاله‌های [ساختمانی] موجود در این روستاهای ویران‌شده را چه جوری میشود حمل و نقل کرد؟ این خیلی کار عظیمی است، خیلی کار دشواری است، و باید حتماً انجام بگیرد. بعد، مسئله‌ی تأمین خانه و بازسازی روستاها و شهرها است؛ این خیلی مسئله‌ی مهمّی است، در این کار باید سرعت هم به خرج داده بشود. من دیدم این چادرها را؛ در یکی از این چادرها از یک خانمی پرسیدم پلاستیک داده‌اند برای چادر، گفت بله، پلاستیک داده‌اند؛ بعد خودم از این سؤال شرمند شدم؛ خیلی خب حالا پلاستیک داده‌اند، [اما] مگر پلاستیک معجزه میکند؟ در سرمای هوا، در این فصل، در شب، چه جوری بایستی تأمین بشود گرمای لازم برای بچه، برای پیرمرد، برای مریض؟ چه جور باید تأمین بشود؟ با تمهید لازم، اوّلاً برای ساخت مسکن و تا وقتی که مسئله‌ی مسکن به‌طور کامل تأمین نشده، [برای] تأمین وسایل گرمایش. باید خیلی در این زمینه کار بشود، خیلی باید تلاش بشود؛ مسئولیت سنگینی بر عهده‌ی مسئولین است.

باید یک مرکزیتی وجود داشته باشد، کما اینکه در تقسیم امکانات بین زلزله‌زدگان هم یک مرکزیت لازم است. یکی از کارهای واجب در این مناطق [وجود] یک مرکزیت است؛ باید همه‌ی کارها تمرکز پیدا کند؛ از یک جا کارها بایستی مدیریت بشود. همه کار کنند، همه تلاش کنند، همه سهم بگیرند، اما یک مدیریت یکپارچه لازم است. این مال تقسیم امکانات بود که حالا یواش‌یواش این معنا تأمین شده و حل شده است. بعد از این، مسئله مسئله‌ی تأمین مسکن است، مسئله‌ی بازسازی است؛ این یک مدیریت واحدی لازم دارد، یک کار اساسی‌ای لازم دارد، سرعت عمل لازم دارد و دولت بایستی همه‌ی پشتیبانی‌های لازم را در این زمینه بکند و دستگاه‌های مختلف هم -چه دستگاه‌های نظامی، چه دستگاه‌های غیرنظامی- هر کدام به قدر توان خودشان مسئولیت را بپذیرند و این مسئولیت را انجام بدهند؛ این کار خیلی مهمّی است. البته من میدانم تا حالا در بخش‌های مختلف، بخشی از مسئولین زحمات زیادی کشیده‌اند، کارهای زیادی کرده‌اند. ما صمیمانه، واقعاً تشکر هم میکنیم از شماها به‌خاطر کارهایی که انجام گرفته، بخصوص از آنهایی که حقیقتاً دامن همّت به کمر زدند و با جدّیت وارد میدان شدند و کار کردند؛ واقعاً پیش خدای متعال هم اجرشان محفوظ است، ما هم از آنها تشکر میکنیم. لکن در آینده، یعنی در ادامه‌ی این کمکها، این کار [متمرکز]، به نظر ما لازم‌تر و مهم‌تر و اساسی‌تر است.

و بخصوص، سرعت عمل بایستی مورد ملاحظه قرار بگیرد؛ باید سریع عمل کنید؛ کار را جهادی بایستی دنبال کنید. یکی از خصوصیات جمهوری اسلامی باید همین کار جهادی باشد. خوشبختانه در بخش‌هایی همین جور هم هست؛ در بخش‌هایی انسان میبیند همین جور کار جهادی انجام میگیرد. ما قبل از انقلاب دیدیم برخورد دستگاه‌های مسئول آن وقت را که هیچ احساس مسئولیتی واقعاً نمیکردند به این قضایا. آن وقت بنده از نزدیک شاهد بوده‌ام و دیده‌ام که در واقع، برایشان مسئله‌ی زلزله‌زده مسئله‌ی مهمّی نبود؛ یعنی واقعاً به حساب نمی‌آوردند؛ [فقط میخواستند] همین بصورت و به اسم یک کاری انجام بدهند؛ کار را گروه‌های مردمی میکردند. امروز این جور نیست؛ بحمدالله مسئولین در میدانند، کار میکنند، تلاش میکنند؛ [این] از خصوصیات جمهوری اسلامی است؛ لکن بایستی بعد از این، آقایان و مسئولین محترم، کار را با مدیریت بهتر و با استمرار و پیگیری و با سرعت ان‌شاءالله انجام بدهند. و این تمرکز که ما عرض کردیم، حتماً بایستی به وجود بیاید تا کار ان‌شاءالله به نتیجه برسد.

امیدواریم خداوند متعال تفضّل کند، کارها را آسان کند، راهها را هموار کند که بتوانید به وظایفتان عمل کنید و این مردم را از این گرفتاری بزرگی که پیش آمده، ان شاءالله خارج کنید.  
والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته  
۱)سوره ی حج، بخشی از آیه ی ۱؛ «... زلزله ی رستاخیز...»  
۲)سوره ی حج، بخشی از آیه ی ۲؛ «روزی که آن را ببینید، هر شیردهنده ای آن را که شیر میدهد [از ترس] فرومیگذارد...»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید؛ جلسه‌ی امروز حقیقتاً جلسه‌ی بسیار مفید و درس‌آموزی بود و نشان داد که بسیج - که یک پدیده‌ی کم‌نظیر انقلاب اسلامی و از ابتکارات امام بزرگوار است - ظرفیتی دارد که می‌تواند در همه‌ی بخشهای مورد نیاز در کشور حضور فعالی داشته باشد؛ می‌تواند گره‌های مشکل را باز کند. جمع صحبت‌کنندگان و سخنرانان امروز در واقع پوشش دادند به اغلب بخشهای مورد نیاز کشور؛ پیشنهادهایی کردند؛ پیشنهادهای مفید و بسیاری از اینها قابل اجرا. البته ما ان شاء الله در مورد این نظرات دوستان، پیشنهادهای دوستان بایستی جمعی را بگماریم که بررسی کنند جوانبش را، ملاحظه کنند و این پیشنهادها را به عمل نزدیک کنند. صمیمانه تشکر میکنم از همه‌ی این برادران و خواهر محترمی که صحبت کردند و بیاناتی [ارائه] کردند. همان‌طور که عرض شد مسئله‌ی بسیج، مسئله‌ی بسیار مهمی است، مسئله‌ی عمیقی است. بسیج یعنی گرد آوردن امکانات و به خط کردن ظرفیتهای برای رسیدن به مقصود در یک امری که مورد توجه است؛ این معنای بسیج است. انقلاب اسلامی اگر همه‌ی آنچه را ما امروز داریم داشت، ولی بسیج عمومی و مردمی را نداشت، قطعاً لنگی مهمی در کارهایش به وجود می‌آمد. سازمان مقاومت بسیج که بحمدالله امروز مجموعه‌ی کارآمدی است، یک نمادی از بسیج عمومی مردمی است؛ بخش سازمان‌یافته‌ی بسیج عمومی مردمی است. این سازمان - سازمان بسیج - وظایف مهمی را برعهده گرفته است؛ این وظایف بزرگ و حساس و مهم در همه‌ی بخشها پراکنده است. مخاطب این حرکت و این اقدام فقط جوانها نیستند، فقط مردان نیستند؛ جوان و نوجوان و میان‌سال و پیر و مرد و زن و همه، مخاطب این سازمان‌دهی و تمرکز حساس سازمان مقاومت بسیجند. در هر نظامی، در هر کشوری، آن عنصری که حرف نهایی را می‌زند نیروی انسانی است. کشورهای پیشرفته‌ی مادی عالم با نیروی انسانی زحمت‌کش و فعال خودشان که تنبلی را کنار گذاشتند و دنبال کار را گرفتند - ولو در طلب دنیا، ولو در راه دنیا و برای پول - به‌خاطر پیگیری نیروی انسانی و توانایی‌های نیروی انسانی به یک نقطه‌ی اوجی رسیدند در همان مسئله‌ی مادی؛ این همان وعده‌ی الهی است. وعده‌ی الهی می‌گوید که اگر مجموعه‌ای، جامعه‌ای، دنبال دنیاطلبی باشند و تلاش کنند، به آن میرسند؛ اگر دنبال ارزشهای معنوی و تعالی حقیقی باشند و تلاش کنند، به آن میرسند: كَلَّا نُمِدُّهُ ۙ وُلَآءِ ۙ وَ هُوَ ۙ وُلَآءِ ۙ مِنْ عَطَا ۙ رَبِّكَ ۙ (۲) هم دنیاطلبان را خدای متعال کمک میکند، هم ارزش‌طلبان و تعالی‌طلبان را خدای متعال کمک میکند؛ منتها آن کسانی که هم‌تشان فقط به‌قدر فرآورده‌های زندگی مادی است، به همین میرسند؛ معنای زندگی حقیقی را نمی‌فهمند، طعم معنویت را نمی‌چشند؛ البته این [طور] است.

انقلاب اسلامی یک پیشنهاد جدید، یک حرف نو برای زندگی انسانها بود. دنیای اسیر قدرتمندی و بازی قدرت قدرتمندان که به‌خاطر حفظ قدرت خودشان مردم را سوق میدادند به سمت مهالک اخلاقی و مهالک گوناگون فکری، احتیاج به یک سخن نو داشت؛ این سخن نو را انقلاب اسلامی تولید کرد، ایجاد کرد و آن را عرضه کرد. این سخن نو عبارت از این است که بشریت میتواند به پیشرفتهای مادی، پیشرفتهای علمی، پیشرفتهای باب و مناسب ارزش انسانی دست بیابد، همراه با کسب رضایت پروردگار و همراه با حفظ ارزشهای الهی، و دنیا را از جهنمی که قدرت‌طلبان عالم و سیاستمداران دور از معنویت به وجود آورده‌اند نجات بدهد و در همین نشئه یک بهشت برای بشریت به وجود بیاورد؛ بهشت اطمینان، بهشت آرامش، بهشت احساس وظیفه، بهشت ارتباط با خدای متعال. این پیام انقلاب اسلامی بود.

در مقام تحقق این پیام البته یک بایدها و نبایدهایی وجود داشت. اگر چنین دنیایی بخواهد به وجود بیاید، باید بی‌عدالتی نباشد، باید استبداد نباشد، باید تفاوت طبقاتی و شکافهای طبقاتی نباشد، باید غرق شدن در شهوات نباشد، باید فساد عملی و فساد فکری نباشد؛ اینها نبایدهایی است که لازمه‌ی تشکیل یک چنین اجتماعی است. بایدهایی هم وجود دارد: باید اخلاص باشد، باید احساس وظیفه باشد، باید تلاش باشد، باید مجاهدت باشد، باید کار باشد، باید جلب رضای خدای متعال هدف باشد؛ اینها هم بایدها است.

قابلی که توانست این مجموعه‌ی بایدها و نبایدها و ارزشها و آرزوها و هدفها را در خود جمع کند کلمه‌ی «جمهوری اسلامی» بود؛ لذا امام فرمودند «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد». «جمهوری» یعنی تکیه‌ی به قوت مردم، قدرت مردم، اراده‌ی مردم، ایمان مردم، ابتکارات مردم؛ یعنی نیروی انسانی، همان چیزی که مهم‌ترین عامل پیشرفت است؛ و «اسلامی» یعنی برای خدا، در راه خدا، متوجه به رضای الهی، در چهارچوب ارزشهای الهی و اسلامی. این معنای جمهوری اسلامی است؛ این حرف نویی بود در دنیا. کسانی که دم از اسلام میزدند، در دنیا بودند و هستند؛ زیاد هم بودند، به شکلهای گوناگونی هم بودند؛ اما فرق است بین آن اسلامی که در چهارچوب یک نظام سیاسی در یک کشور تحقق پیدا میکند، با آن اسلامی که در مقاله و نوشته و سخنرانی و گفتگوهای گوناگون در داخل نظام جاهلی و نظام طاغوتی پخش میشود و گفته میشود و تکرار میشود اما زندگی واقعی زندگی طاغوتی است؛ اینها با هم خیلی تفاوت دارد. جمهوری اسلامی اسلام را، اسلام مورد آرزوی مسلمین را، در داخل یک مجموعه‌ی جغرافیایی و یک محدوده‌ی جغرافیایی - یعنی کشور ایران - در قالب یک نظام سیاسی تحقق بخشید. این به کمک و هدایت پروردگار و بیداری و هشیاری امام بزرگوار و مجاهدت و فداکاری ملت تحقق پیدا کرد، پایه گذاشته شد، طرح اولیه ریخته شد.

البته تا رسیدن به آن مقصود اساسی و اصلی فرسنگها فاصله بود و هست؛ اشکالی ندارد؛ این فرسنگها فاصله را بایستی ما طی کنیم. در اصل پیدایش اسلام هم همین جور بود؛ روزی که نبی مکرّم اسلام در مدینه حکومت اسلامی را تشکیل دادند، آن وقت همه‌ی اهداف اسلامی در آن زمان و در آن اوان محقق نبود، تا آخر عمر مبارک پیغمبر هم همین جور بود؛ اینها بتدریج بایستی تحقق پیدا کند و تحقق پیدا میکند؛ بستگی دارد که آن نیروی انسانی لازم و بااراده و باعزم حضور داشته باشد یا نداشته باشد. بسیج یعنی آن چیزی که این نقیصه را تأمین میکند؛ بسیج یعنی اینکه آحاد نیروی انسانی، خود را موظف بدانند برای تحقق اهداف عالی؛ همه‌ی کسانی که در بخشهای مختلف مشغول تلاشند: بخشهای نظامی، غیرنظامی، ارتش، سپاه، نیروی انتظامی، بخشهای مختلف کشوری، تلاشهای گوناگون، تلاشگرهای گوناگون در میدانهای مختلف، وقتی احساس [وظیفه] کنند و همین حرکت را، همین هدف را، همین شیوه را ممشای خودشان قرار بدهند، بسیجی اند. البته عرض کردیم بحث سازمان بسیج، بحث دیگری است؛ این یک نماد است، یک بخش مشخص فعال است، اما کلمه‌ی بسیج، عنوان بسیج، تکیه بر روی همه‌ی آحاد مردمی دارد که فعالند. و اما سازمان مقاومت بسیج که یکی از ارکان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است؛ یک مجموعه‌ی بسیار مهم و اثرگذار و لازمی است. هرکدام از شما که در اینجا حضور دارید، مجموعه‌ای از یک فکر، یک اراده، یک خواست، یک ایمان، یک روح ابتکار هستید. صدها برابر یا شاید هزار برابر این جمعیتی که اینجا تشریف دارید، آحاد مردم هستند، غالباً [هم] جوان؛ آنها هم همین خصوصیات را دارند؛ یعنی هرکدام یک فکرند، یک عزمند، یک ایمانند، یک اراده‌اند، یک قدرت تولیدند، یک قدرت حرکتند. آنچه مهم است، این است که همه‌ی این نیروها، همه‌ی این عزمها و اراده‌ها به کمک یکدیگر بیایند و هم‌افزایی کنند. سازمان مقاومت بسیج در سپاه، این وظیفه را به عهده دارد؛ وظیفه‌ی هماهنگ‌سازی و قرار دادن این توانها و نیروها و عزمها در شبکه‌های فعال تحرک؛ این وظیفه‌ای است که بر عهده‌ی اینها است.

ملاحظه کردید؛ ما در زمینه‌ی صنعت، در زمینه‌ی کشاورزی، در زمینه‌ی هنر، در زمینه‌ی سازندگی، در زمینه‌های گوناگون، در همه‌ی زمینه‌ها، هم حرف داریم که بخشی از حرفها را این دوستان در اینجا بیان کردند، هم نیاز داریم؛ نیاز به حرکت، نیاز به فکر، نیاز به تصمیم، نیاز به عزم راسخ، تا بتوانیم به آن مقاصد حقیقی و والای جمهوری اسلامی، خودمان را برسانیم، کشورمان را برسانیم؛ اینها همه حرکت لازم دارد، تحرک لازم دارد. این تحرک با سازماندهی نیروی مقاومت بسیج و همه‌جانبه‌نگری این نیرو تحقق پیدا میکند. و شما ناگهان مشاهده میکنید که یک حرکت عظیم سازندگی و تولید و پیشرفت در بخشهای مختلف، همراه با ایمان، همراه با بصیرت، همراه با اخلاص از سوی چند میلیون جمعیت در کشور به راه افتاده است؛ این خیلی چیز مهم و بابرکتی است! نیروی مقاومت بسیج این است و این وظیفه‌ی سنگینی است که بایستی انجام بگیرد.

عزیزان من! دشمنی دشمنان حق و دشمنان خدا تمام‌شدنی نیست؛ دشمنی‌ها وجود دارد. اعمال دشمنی از سوی دشمنان خدا بستگی به این دارد که ملاحظه کنند که چقدر توانایی اعمال دشمنی و خصومت را دارند؛ اگر در طرف مقابل ضعف مشاهده کنند،



بینند میتوانند این دشمنی را اعمال کنند، این دشمنی را اعمال میکنند بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای. آن کسانی که از ذکر عنوان دشمن ناراحت میشوند که «چرا این قدر می‌گویید دشمن دشمن!» آنها غافل از این مسئله هستند؛ غافلند از اینکه اگر چنانچه دشمن مجال پیدا بکند، در وارد آوردن ضربه هیچ تأملی نخواهد کرد. نباید این مجال را به دشمن داد؛ نباید در مقابل دشمن عملی، سخنی، حالتی در ما مشاهده بشود که او را تشویق کند به ضربه زدن و دشمنی کردن و اعمال خصومت. این یک اصل است؛ یک اصل همیشگی است؛ این یک اصل عقلائی است.

این آیات کریمه‌ای که در اول این جلسه خواندند [میفرماید]: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ اسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، (۳) آن کسانی که ایستادند، رزمندگان، سلحشوران، قهرمانان میدان مقاومت که در کنار پیامبران ایستادند و از خدای متعال کمک خواستند و حرکت کردند، خدای متعال ایستادگی اینها را پاداش داد؛ فَتَاتُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَ حَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ. (۴) این جور نیست که اگر در راه خدا مجاهدت کنید، فقط خدای متعال بهشت به شما بدهد! نه، فقط ثواب آخرت نیست، ثواب دنیا هم هست. ثواب دنیا چیست؟ ثواب دنیا عزت است، اقتدار است، پیشرفت است، سربلندی است، سربلندی یک کشور است؛ ثواب دنیا این است که جمهوری اسلامی در طول این ۳۸ سال هر روز با توطئه‌ی دشمن مواجه بوده - ما از اولی که انقلاب پیروز شد تا امروز همیشه به‌طور دائم با دشمنی‌های گوناگون دشمنانمان، یعنی استکبار جهانی و صهیونیسم و ارتجاع و [مانند اینها] مواجه بوده‌ایم - درعین حال امروز صدها برابر، شاید بشود گفت هزارها برابر در ابعاد مختلف، از اول انقلاب جلوتر رفته‌ایم، پیشرفت پیدا کردیم، توانایی پیدا کردیم، اقتدار پیدا کردیم. درست تحلیل بشود مسائل کشور! بعضی‌ها کج و معوج (۵) تحلیل میکنند. فرض بفرمایید نگاه میکنند، در یک بخشی، بی‌اعتقادی و بی‌ایمانی و بی‌اعتنائی را در بعضی مشاهده میکنند، این را دلیل میگیرند بر اینکه انقلاب در کشور و نظام جمهوری اسلامی در کشور ضعیف شده؛ این جور نیست؛ از اول انقلاب هم دشمنانی بودند، مخالفینی بودند. امروز از همه طرف دشمن، تهاجم خودش را تقویت کرده و تشدید کرده؛ درعین حال شما ملاحظه کنید، حرکت جوانان مؤمن ما در کشور، چه حرکت مبارک و شیوا و زیبایی است. اینکه بعد از ۳۸ سال، جوانانی که نه امام را زیارت کردند، نه دوران دفاع مقدس را دیدند، نه انقلاب را درک کردند، این جور در صحنه حاضر باشند، در میدان حاضر باشند و بتوانند در منطقه اثرگذاری کنند؛ این واقعاً یکی از معجزات انقلاب است. در منطقه، جمهوری اسلامی - یعنی همین شما جوانها - توانستید آمریکای مستکبر را به زانو در بیاورید و شکست بدهید. تمام تلاشهایی که میکردند و نقشه‌هایی که کشیده بودند برای این [بود] که این منطقه را از تفکر انقلابی و اسلامی دور کنند؛ هدف همه‌ی اینها در واقع همین بود که این تفکر انقلابی را، تفکر مقاومت را که گسترش پیدا کرده در منطقه، این تفکر را از بین ببرند و دفن کنند، [اولی] بعکس شد!

ماجرایی که در سوریه و عراق به وجود آمد، غده‌ی سرطانی‌ای که دشمنان به وجود آورده بودند برای اینکه بتوانند در این منطقه حادثه‌ای را علیه جریان مقاومت ایجاد کنند، این غده را توانستید دفع کنید، توانستید منهدم کنید؛ جوانها توانستند؛ همین جوانهای مؤمن. در واقع آن کسانی که با شوق و علاقه‌ی وافر وارد این میدان مجاهدت شدند و دشمن را به زانو در آوردند، اینها از همان احساس بسیج و نیروی بسیج بهره‌مند بودند، برخوردار بودند.

در همه‌ی بخشها همین جور است. ما در مسئله‌ی علم، در مسئله‌ی فناوری، صنعت و کشاورزی، در مسئله‌ی خدمات، در سازندگی کشور، در مسائل معنوی و فرهنگی، در مسائل هنری، میدان کار بسیار وسیعی داریم که به‌وسیله‌ی همین شما برادران و خواهران بسیجی به‌عنوان پیشروان این میدان باید انجام بگیرد. میلیون‌ها انسان هم در کشور هستند که جزو سازمان بسیج نیستند اما بالقوه بسیجی‌اند؛ توانایی حضور در این میدانها در آنها هم وجود دارد، اگرچه جزو سازمان بسیج هم محسوب نیستند. این ظرفیت فوق‌العاده‌ای [است] که امروز در کشور وجود دارد. خدا را سپاسگزاریم، خدا را شاکریم که این ظرفیت را، این سرمایه‌ی عظیم را داده است.

بسیج را حفظ کنید. خصوصیتی که در بسیج لازم است و معتبر است و وجود داشته است بحمدالله، این خصوصیات را نگه دارید. یکی از این خصوصیات

بصیرت است؛ دشمن‌شناسی است؛ راه‌های مقابله‌ی با دشمن است؛ فهم ترفندهای دشمن است. جوان مؤمن ما باید بداند که یکی از شیوه‌های دشمن این است که او را نسبت به ارزشهای عملی اسلامی بی‌تفاوت کند؛ در زمینه‌ی مسائل شخصی زندگی، مسائل خانوادگی، مسائل گوناگون. یکی از شیوه‌های دشمن ناامید کردن جوانهای ما است؛ اینکه ما نمیتوانیم، نمیشود در مقابل اینها ایستاد؛ که همین‌طور می‌بینید متأسفانه عده‌ای بلندگوی دشمن شده‌اند که همین چیزها را در فضای جامعه بپراکنند که نمیشود در مقابل اینها ایستاد؛ چرا نمیشود؟ جمهوری اسلامی در مقابل زیاده‌خواهی دشمنان ایستاده است و در همه‌ی موارد بر دشمن پیروز شده! چطور شما می‌گویید نمیشود؟ ملت ایران توانست نظام پادشاهی را که شجره‌ی خبیثه‌ی دیرپایی بود در این کشور، قلع کند و دور بیندازد؛ در حالی که آمریکا پشتیبانش بود، اروپا پشتیبانش بود، همین مرتجعین منطقه پشتیبانش بودند. در دنیایی که کفر و الحاد و بی‌اعتقادی و بی‌مبالاتی در آن موج می‌زند، توانست یک حکومتی را بر اساس ارزشها به وجود بیاورد؛ توانست این حکومت را حفظ کند؛ توانست این نظام جمهوری اسلامی را با همه‌ی ابعادش در این کشور نگهداری کند و حفظ کند و روزبه‌روز توسعه بدهد؛ توانست عوامل و عناصر قدرت و اقتدار را برای این نظام به وجود بیاورد. یکی از عناصر اقتدار علم است، یکی از عناصر اقتدار توانایی‌های نظامی است، یکی از عناصر اقتدار توانایی نفوذ در افکار و اندیشه‌های ملت‌های دیگر است؛ اینها را توانست به وجود بیاورد برای خودش، چطور شما می‌گویید نمیتواند؟ بعد از این هم همین است؛ بعد از این هم به توفیق الهی انقلاب اسلامی خواهد توانست به همه‌ی اهداف والایی که ترسیم کرده است برسد؛ به‌وسیله‌ی شما جوانها، به‌وسیله‌ی نسل مؤمنی که امروز در کشور بحمدالله پراکنده است و وجود دارد. ما میتوانیم؛ ما تجربه کرده‌ایم که میتوانیم. توانستن فقط به صرف یک اعتقاد نیست، فقط اعتقاد به غیب نیست، [بلکه] به چشم خودمان مشاهده کرده‌ایم که میتوانیم. بعضی‌ها آیه‌ی یأس می‌خوانند که [باید] ملاحظه‌ی قدرتها را بکنیم و رودریاستی [دارند] در مقابل قدرتها؛ نه، شما ملاحظه کردید این چند توطئه‌ی پی‌درپی که در این منطقه، آمریکا و صهیونیسم و ارتجاع عرب و دیگران به وجود آورده بودند، همه با اقتدار جمهوری اسلامی نابود شد، از بین رفت؛ یکی از آنها همین مسئله‌ی گروه تکفیری غیر انسانی داعش بود که خب بحمدالله با همت جوانان، با همت مردان مؤمن، با همت کسانی که نیروی مقاومت را قبول داشتند، نابود شد، از بین رفت؛ خب این کار کوچکی نیست، کار خیلی بزرگی است! در خود بعضی از این کشورهای مجاور ما هم گاهی باور نمیشد که میتوان این چنین عملی را، این چنین حرکتی را انجام داد، اما خب وادار شدند، وارد میدان شدند، موفق شدند، باور کردند. پیام جمهوری اسلامی، پیام انقلاب، این جور به سطح ملت‌ها و به گوش ملت‌ها میرسد؛ عملاً! بصیرت لازم است - جزو شرطهای لازم است - مجاهدت لازم است، ثبات لازم است. عزیزان من! ثبات در این راه، استقامت در این راه، یکی از واجب‌ترین و مهم‌ترین عوامل پیشرفت است. سعی کنید محیط خودتان را، پیرامون خودتان را، عناصر مرتبط با خودتان را و، پیش از همه، درون و دل خودتان را وفادار و باثبات نگه دارید نسبت به این آرمانها و نسبت به این راه و نسبت به این اهداف والا؛ قطعاً پیروز خواهید شد، قطعاً پیروزی با شما خواهد بود. و من میبینم آن روزی را که ان‌شاءالله به توفیق الهی همین چیزهایی را که امروز ما می‌گوییم باید بشود و خواهد شد، شما جوانان عزیز خواهید گفت این کارها انجام گرفت، این کارها شد. امروز در زمینه‌ی اقتصادی کارهای زیادی لازم است که ما انجام بدهیم؛ در زمینه‌ی تولید و اشتغال و این چیزها - که ضعفهای ما است - کارهای فراوانی است که باید انجام بدهیم؛ در زمینه‌ی فرهنگی کارهای زیادی است که باید انجام بدهیم؛ این کارها امروز در حد برنامه‌ریزی و اقدام و شروع و پیشرفت و گذراندن مراحل از این کارها است، اما یک روزی هم همه‌ی این کارها ان‌شاءالله به بهترین وجهی انجام خواهد گرفت. روزی که ان‌شاءالله آن روز خیلی دور نخواهد بود، نیروهای جوان و مؤمن خواهند توانست معضلات اقتصادی را در کشور حل کنند، پیشرفتهای علمی را مضاعف کنند، از لحاظ فرهنگی تسلط محتوای فرهنگی و برجسته‌ی انقلاب و مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی را در سرتاسر کشور و در همه‌ی زوایای این کشور ان‌شاءالله بگسترانند؛ این کارها خواهد شد ان‌شاءالله، تحقق پیدا خواهد کرد به کوری چشم دشمنان. البته دشمنان هر روزی توطئه‌ی جدیدی، یک حيله‌ی جدیدی و ترفند جدیدی را مطرح خواهند کرد؛ بایستی نیروهای مبتکر و مؤمن و آماده‌به‌کار ما، قبل از آنکه دشمن بخواند ترفندی را اجرا بکند و شگرد جدیدی را وارد میدان بکند، آماده باشند؛ هم پاسخ بدهند، هم پیشگیری کنند از آنچه دشمن ممکن است انجام بدهد. خداوند ان‌شاءالله شماها را محفوظ بدارد و پیروزی‌های بزرگ را ان‌شاءالله خداوند به شماها نشان بدهد. و ان‌شاءالله پروردگار متعال ارواح طیبه‌ی شهدای عزیز ما را، چه شهدائی که در میدانهای جنگ در سوریه یا در عراق به شهادت رسیدند - مردم همان کشورها

یا کشورهای دیگر؛ جوانهایی که مؤمنانه وارد این میدان شدند- و چه کسانی که در داخل کشور تلاش کردند و به شهادت رسیدند، با اولیای خودش محشور کند و روزبه‌روز بر عزّت و موقّیّت و اعتلاء و سرافرازی و سربلندی ملت ایران بیفزاید. و ان‌شاءالله مقام امام بزرگوار ما را -که این راه را ایشان به روی ما باز کرد- در اعلیٰ علّیین مقاماتِ آخروی روزبه‌روز بالاتر ببرد، ما را هم ان‌شاءالله توفیق بدهد که خودمان را به این کاروان سعادت‌مند شهدا نزدیک کنیم.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

۱ (در ابتدای این دیدار -که به‌مناسبت فرا رسیدن هفته‌ی بسیج برگزار شد- سردار سرلشکر محمدعلی جعفری (فرمانده کلّ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) و سردار سرتیپ غلام‌حسین غیب‌پرور (رئیس سازمان بسیج مستضعفین) و تعدادی از بسیجیان، مطالبی بیان کردند.

۲)سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۲۰؛ « هر دو [دسته: اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد میبخشیم»

۳)سوره‌ی آل‌عمران؛ بخشی از آیه ۱۴۷

۴)سوره‌ی آل‌عمران؛ بخشی از آیه ۱۴۸

۵)نادرست (سخن)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

برادران عزیز، خواهران عزیز! خیلی خوش آمدید؛ به همه‌ی شما از صمیم دل خوشامد عرض میکنیم. شما در اینجا، در خانه‌ی خودتان و میان برادران خودتان هستید؛ ما به این چشم نگاه میکنیم به برادران مسلمانان در هر نقطه‌ی از عالم؛ [با هم] برادر هستیم، شما را برادر خودمان میدانیم و احساسات برادرانه را در عمل هم -به توفیق الهی و به کمک الهی- نشان داده‌ایم. موضوع این اجلاس که محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) است، موضوع بسیار مهمی است. حبّ اهل بیت مخصوص یک گروه خاصی در اسلام نیست؛ همه‌ی مسلمین اهل بیت پیغمبر را دوست میدارند؛ همه‌ی مسلمین نسبت به اهل بیت پیغمبر ارادت دارند. یک عده‌ی خیلی معدود و قلیلی به‌عنوان نواصب (۱) در تاریخ بودند که آنها هم به احتمالی انگیزه‌هایشان انگیزه‌های سیاسی بود، نه به معنای واقعی انگیزه‌ی دینی؛ لکن قاطبه‌ی مسلمین، از صدرِ اوّل تا امروز محبّ اهل بیت محسوب میشوند. خوب، همین یک جمله برای ما یک درس است؛ آن درس این است که پس به‌وسیله‌ی محبت اهل بیت، میشود در میان مسلمین اجماع ایجاد کرد؛ میشود این را یک محوری قرار داد برای اتحاد و اتفاق مسلمین. همچنان که وجود مبارک پیغمبر اسلام وسیله و محور وحدت بین مسلمین است، و همچنان که قرآن و کعبه‌ی شریف محور اتحاد مسلمین است، محبت اهل بیت هم میتواند محوری باشد برای اتحاد مسلمین و دلها را به هم نزدیک کند.

و من به شما برادران عزیز عرض میکنم که امروز دنیای اسلام به این اتحاد و این همدلی بشدتّ نیازمند است. امروز پیکر دنیای اسلام زخم‌خورده است؛ امروز دشمنان اسلام توانسته‌اند با ایجاد جنگ و خلاف (۳) در بین خود مسلمین، آنها را فُشل (۴) کنند، آنها را مشغول به خود کنند و دشمنان آنها را در حاشیه‌ی امن نگه دارند. در منطقه‌ی غرب آسیا، رژیم غاصب صهیونیست در امنیت به سر برد، [ولی] مسلمانها به جان هم بیفتند! این حقیقت و واقعیتی است که امروز وجود دارد؛ و این کار، کار دشمنان اسلام است؛ کار آمریکا است، کار صهیونیسم بین‌المللی است، و کار ادامه‌های آنها و همکاران آنها در این منطقه است. با کمال تأسف باید قبول کنیم که در درون خود امت اسلامی و دولتهای اسلامی، کسانی هستند که همان کاری را که آمریکا میخواهد و صهیونیست میخواهد، انجام میدهند؛ مخارجش را عهده‌دار میشوند، مقدّماتش را فراهم میکنند، ابزار آنها میشوند؛ برای چه؟ برای جراحات وارد کردن بر پیکر امت اسلامی. در یک چنین شرایطی اتحاد امت اسلامی اوجب واجبات است؛ باید دور هم جمع بشویم.

محبّت اهل بیت ریشه‌ی قرآنی دارد، ریشه‌ی حدیثی دارد؛ یک امر جدید نیست. حدیث متفق علیه بین فرق اسلامی که حدیث ثقلین است -آئی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیته فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض- (۵) اگرچه آنچه به ما تعلیم میدهد، متابعت از اهل بیت است، لکن متابعت بدون محبت معنا ندارد؛ محبت هم از این حدیث فهمیده میشود. اینکه در قرآن میفرماید: *انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً*، (۶) این پاکیزگی و طهارتی که خدای متعال اراده کرده است در اهل بیت وجود داشته باشد، مقتضی همین عشق و محبتی است که مسلمانها به اهل بیت دارند؛ پس این میشود وسیله‌ی اتحاد مسلمانها.

دشمنان اسلام مصلحتشان در این است که جنگ را به درون دنیای اسلام بکشانند، و متأسفانه کشانده‌اند. ما ایستاده‌ایم در مقابل این توطئه‌ی دشمن و خواهیم ایستاد. و من به شما عرض بکنم، ما معتقدیم که به توفیق الهی و به اراده و مشیت الهی و باذن‌الله‌تعالی، ما در این مقابله بر دشمنان پیروز خواهیم شد.

امروز فلسطین مسئله‌ی اوّل دنیای اسلام است. هرکسی مسئله‌ی فلسطین را درست بفهمد و تصوّر بکند، اذعان میکند به اینکه

مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی اولّ دنیای اسلام است. کلید غلبه‌ی بر دشمنان اسلام مسئله‌ی فلسطین است. و مهم‌ترین مسئله‌ی دنیای اسلام، امروز مسئله‌ی فلسطین است؛ چرا؟ چون فلسطین یک کشوری است اسلامی، این [کشور] را آمده‌اند غصب کرده‌اند، از مردمش گرفته‌اند. بحث غصب یک روستا و یک شهر نیست؛ دشمن، یک کشور را غصب کرده است و آن را پایگاهی قرار داده است برای اخلال کردن در امنیت کشورهای این منطقه؛ با غده‌ی سرطانی باید مبارزه کرد. حالا شما ملاحظه کنید؛ کسی در کسوت مفتی دین، فتوا بدهد بر اینکه مبارزه‌ی با صهیونیسم حرام است و کمک به فلان گروهی که با صهیونیسم مبارزه میکنند جایز نیست! این حقیقتاً فاجعه است که کسانی در دنیای اسلام این جور بر خلاف مصالح اسلام عمل بکنند، با دشمنان ارتباطات دوستانه داشته باشند؛ درست برخلاف نصّ صریح قرآن که مؤمنین را «أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» (۷) معرفی میکند، اینها «اشدّاء علی المسلمین» و رحماء با کفارند؛ با آنها خوبند اما با مسلمین ببینید چه میکنند! این اختلاف‌افکنی، این ایجاد شجره‌ی خبیثه‌ی داعش و امثال داعش در عراق در سوریه و در نقاط دیگر.

البته این شجره در عراق و سوریه و افتاد اما نمیشود مطمئن بود، و ممکن است در جای دیگری این بساط را پهن کنند؛ آمریکا از دشمنی با اسلام دست بر نمیدارد. باید بیدار باشیم؛ باید هوشیار باشیم؛ باید آمادگی‌های خودمان را حفظ کنیم؛ نایستی غافلگیر بشویم. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه میفرماید: «وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالضَّبْعِ تَنَامَ عَلَى طُولِ اللَّدْمِ» (۸) ما باید این جوری باشیم؛ نمیتوانیم به خواب برویم، نمیتوانیم غفلت کنیم؛ نمیتوانیم کید دشمن را ندیده بگیریم. باید بیدار باشیم.

این بیداری اقتضائاتی دارد؛ یکی از اقتضائاتش همین برادری و محبت است که باید داشته باشیم. این محبت اقتضا میکند مبارزه و مقابله‌ی با عواملی را که با دنیای اسلام دارند صریحاً دشمنی میکنند یا به آن دشمنها کمک میکنند؛ شما در کشورهای مختلف پیام‌آور این روحیه باید باشید؛ آمادگی را در مسلمانها برای مواجهه و مقابله حفظ کنید. مقصود همه‌جا جنگ نظامی نیست؛ [بلکه] بایستی ذهنها را در مخاطبین خودتان -مردمی که سخن شما را می‌شنوند- آشنا کنید با حقایقی که امروز در دنیای اسلام وجود دارد. ما این وظیفه را قطعاً از دست نخواهیم گذاشت؛ ما این وظیفه را رها نخواهیم کرد و مطمئنیم که خدای متعال در پیشرفت این کار به ما کمک خواهد کرد. آنهایی که برخلاف آیه‌ی قرآن که فرمود «يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّ وَ عَدُوِّكُمْ اَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ اِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ»، (۹) کسانی را که دشمن مسلمینند و دشمن اسلامند و دشمن خدایند به دوستی میگیرند و مودت خودشان را با آنها برقرار میکنند، اینها دشمنان حقیقی اسلام هستند در درون جامعه‌ی اسلامی.

بحمدالله امروز دنیای اسلام بیدار شده است. ما مسلمین در کشورهای مختلف، یک واقعیت عظیم هستیم؛ ما یک واقعیت تحمیل‌شده‌ی بر استکبار و بر کفر هستیم. در مقابل کفر و استکبار، امروز دنیای اسلام میتواند بایستد و حرف خود را به کرسی بنشاند. بحمدالله در جغرافیای ایران، حکومتی به نام اسلام وجود دارد که افتخار میکند به اینکه حکومت اسلامی است. البته ما به تمام آرزوهای خودمان در تحقق حاکمیت اسلام در کشور نرسیده‌ایم؛ ما در نیمه‌ی راهیم، ما در وسط راهیم، اما هدفمان تحقق همه‌ی اهداف اسلامی و تحکیم کامل شریعت اسلامی است. این هدف ما است و این هدف را به توفیق الهی و باذن‌الله تعالی دنبال خواهیم کرد و این خود وسیله‌ی پیروزی بر دشمنان اسلام خواهد بود؛ امروز این واقعیت در اینجا وجود دارد.

برادران عزیز، خواهان عزیز! قریب چهل سال از تشکیل جمهوری اسلامی میگذرد؛ از روز اول تا امروز، آمریکا با ما دشمنی کرده است، جبهه‌ی کفر و استکبار و صهیونیسم با ما دشمنی کرده‌اند، توطئه کرده‌اند و هرچه توانسته‌اند علیه ما به کار برده‌اند: تحریم کردند، حمله‌ی نظامی کردند، کارهای گوناگون کردند؛ علی‌رغم آنها، در طول این قریب چهل سال، ما به‌طور پیوسته پیشرفت کرده‌ایم. امروز، به توفیق الهی، پیشرفتهای جمهوری اسلامی نسبت به ۳۰ سال پیش و ۳۵ سال پیش قابل مقایسه نیست؛ آنها خواسته‌اند ما را از بین ببرند، خدای متعال علی‌رغم آنها ما را تقویت کرده است، به ما قوت داده است، ما را از آنچه خودمان هم آرزو داشتیم قوی‌تر کرده است؛ امروز جمهوری اسلامی بحمدالله در منتهای قدرت و قوت است و ایستاده است. و ما حرفمان را صریح میزنیم و پای حرفمان می‌ایستیم و هر جایی که احتیاج به حضور ما باشد، هر جایی که احتیاج باشد به کمک ما در مواجهه و مقابله‌ی با کفر و استکبار، کمکمان را به آنجا میکنیم؛ این را صریح میگوییم، ابا هم نمیکنیم از گفتن این مطلب در مقابله و مواجهه‌ی با دنیای کفر و استکبار؛ ما ملاحظه‌ی هیچ‌کس را نمیکنیم و سخن خودمان و حرف دل خودمان را صریح میزنیم. امروز یک چنین واقعیتی است در دنیای اسلام و امیدواریم که به توفیق الهی روزی فرا برسد که فلسطین به مردم فلسطین برگردد و

مردم فلسطین مالک سرزمین خودشان بشوند و آوارگان فلسطین به فلسطین برگردند؛ آن روز، روز جشن و عید دنیای اسلام خواهد بود و آن روز ضربه‌ی واقعی و شکننده‌ی کمر استکبار بر او وارد خواهد شد و ما برای آن تلاش میکنیم و کار میکنیم و ان‌شاءالله آن روز فراخواهد رسید. من بار دیگر به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز خوشامد عرض میکنم و همه‌ی شما را به خدا می‌سپارم و امیدوارم ان‌شاءالله این اجلاس شما اجلاس مبارکی باشد.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار - که به مناسبت برگزاری این اجلاس در روزهای اول و دوم آذرماه سال جاری برگزار شد- آقای دکتر علی‌اکبر ولایتی (دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی) گزارشی ارائه کرد.

۲) دشمنان اهل‌بیت

۳) اختلاف نظر

۴) سست، کاهل

۵) امالی صدوق، ص ۴۱۵ (با اندکی تفاوت)

۶) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۳؛ «... خدا فقط میخواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.»

۷) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «... بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند...»

۸) نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۶؛ «به خدا سوگند که من همانند آن گفتار نیستم که با آواز کوبیدن سنگ و چوب، در کُنامش به خوابش کنند...»

۹) سوره‌ی ممتحنه، بخشی از آیه‌ی ۱؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برگیرید [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید...»